



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

Comparative Analysis of Parliamentary Oversight of the Executive in the Constitutional Systems of Iran and Egypt

Rasoul Karami Moghadam¹, Hamed Aali²

1. Assistant Prof., Department of Law, Faculty of Literature, Lorestan University, Khorramabad, Iran. Email: karami.r@lu.ac.ir

2. Ph.D student of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: hamedaalii@ut.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 23 Sep 2025

Received in revised form 22
Oct 2025

Accepted 19 Nov 2025

Available online 31 Des 2025

Keywords:

Constitutional Law of
Iran,
Constitutional Law of
Egypt,
Parliamentary Oversight,
Political Oversight,
Financial Oversight.

In evaluating the quality of inter-branch relations within different political systems, various factors—depending on the nature of the system—play a significant role. These factors aim not only to enhance the effectiveness of governance but also to preserve the independence of the branches while ensuring a balanced distribution of power. Among the most important of these mechanisms is parliamentary oversight, which enables the legislature to exercise authority and exert influence over the executive branch. This article, employing a descriptive method and an analytical approach based on reliable library-based data and constitutional documents, examines how parliamentary oversight of the executive is applied within the constitutional frameworks of the Islamic Republic of Iran and the Arab Republic of Egypt. Despite numerous similarities between these two systems, the present study focuses specifically on the constitutions of each country as the highest sources of constitutional authority. The central research question is: What tools and forms does parliamentary oversight of the government take in Iran and Egypt, and what are the points of convergence and divergence between the two systems? The selection of these two countries is particularly significant, as both operate under semi-presidential, semi-parliamentary systems, have undergone revolutions and profound political transformations, and are Islamic states with ancient civilizations and strategic positions in the Middle East. At the same time, due to their unique cultural, historical, and legal characteristics, each country has developed a distinct model of parliamentary oversight. While both systems utilize similar mechanisms for financial, political, and non-judicial forms of oversight, notable and substantive differences can nonetheless be identified between them.

Cite this article: Karami Moghadam, Rasoul., Aali, Hamed. (2025). Comparative Analysis of Parliamentary Oversight of the Executive in the Constitutional Systems of Iran and Egypt. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 3 (4), 89- 111. <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2072749.1177>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2072749.1177>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

واکاوی تطبیقی نظارت پارلمان بر دولت در نظام حقوق اساسی ایران و مصر

رسول کرمی مقدم^۱ | حامد عالی^۲

۱. گروه حقوق، دانشکده ادبیات، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران. رایانامه: karami.r@lu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: hamedali@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

کلیدواژه‌ها:

حقوق اساسی ایران،

حقوق اساسی مصر،

نظارت پارلمان،

نظارت سیاسی،

نظارت مالی.

در تعیین کیفیت روابط قوا در نظام‌های سیاسی مختلف، بسته به نوع آن نظام سیاسی، عوامل مختلفی دخیل هستند. عواملی که در عین کارایی و حفظ استقلال قوا به دنبال برقراری تعادل و توازن میان آن‌هاست. از جمله این موارد، نظارت پارلمانی است که موجب اعمال اقتدار و نفوذ بر دولت می‌گردد. در این مقاله با روش توصیفی و تحلیل داده‌ها و اسناد معتبر کتابخانه‌ای به بررسی این امر پرداخته شد که کاربست نظارت پارلمان بر دولت در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی مصر با وجود مشابهت‌های زیاد، با تأکید بر قانون اساسی به‌عنوان عالی‌ترین سند حقوق اساسی، چگونه است. پرسش اصلی این است که نظارت پارلمان بر دولت در ایران و مصر با تأکید بر قانون اساسی، چه ابزارها و کیفیتی دارد و وجوه اشتراک و افتراق آنها چیست؟ انتخاب این دو کشور از آن جهت اهمیت دارد که هر دو دارای نظام نیمه‌ریاستی نیمه‌پارلمانی هستند، هر دو تجربه انقلاب و تغییر بنیادین نظام سیاسی را داشته‌اند و هر دو در زمره کشورهای اسلامی با تمدن کهن و موقعیت راهبردی در خاورمیانه محسوب می‌شوند. در عین حال، هر یک از این کشورها با ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و حقوقی خاص خود، الگوهای متفاوتی از نظارت پارلمانی را پیش‌بینی کرده‌اند. در هر دو کشور از ابزار مشابه در اعمال انواع نظارت مالی، سیاسی و غیرقضایی استفاده شده اگر چه تفاوت‌های اساسی نیز میان این دو کشور قابل مشاهده است.

استناد: کرمی مقدم، رسول؛ عالی، حامد (۱۴۰۴). واکاوی تطبیقی نظارت پارلمان بر دولت در نظام حقوق اساسی ایران و مصر. *مطالعات تطبیقی حقوق*

کشورهای اسلامی، ۳ (۴)، ۸۹-۱۱۱.

<http://doi.org/10.22034/ics.2025.2072749.1177>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

اهمیت زائدالوصف نظارت پارلمان بر دولت در نظام سیاسی و حقوق اساسی هر کشور بر کسی پوشیده نیست؛ اما تحقق آن نیاز به بستری دارد تا موجبات بروز و ظهورش را عینیت بخشد. فراهم‌ترین بستر برای اعمال چنین نظارتی، ابتدا در نظام‌های پارلمانی و سپس در نیمه‌ریاستی‌ها دیده می‌شود. در مورد نوع دوم باید گفت این نوع نظام‌ها نسبتاً نوپا بوده و بیش از نیم قرن از عمر آن‌ها نمی‌گذرد. کشورهایی نظیر اتریش، فنلاند، ایرلند، پرتغال، فرانسه جمهوری پنجم و فدراسیون روسیه از این نوع نظام بهره می‌برند. (هریسی نژاد، ۱۳۹۹: ۱۷۵) نظام‌های مختلط برخی از عناصر را از نظام ریاستی و برخی دیگر را از نظام پارلمانی به عاریت گرفته‌اند. به این ترتیب رگه‌هایی از نظریه تفکیک مطلق قوا از یک طرف و نظریه تفکیک نسبی یا همکاری قوا از طرف دیگر در این نوع نظام‌ها قابل مشاهده است. در حقیقت در نظام‌های مختلط، همانند نظام‌های پارلمانی، از سویی میان قوه مجریه و قوه مقننه همکاری وجود دارد و از سوی دیگر، میان آن‌ها تعادل برقرار است. (هریسی نژاد، ۱۳۹۹: ۱۷۷)

نظام‌های مختلط به دلیل موقعیتی که رئیس‌جمهور در آن‌ها دارد از نظام‌های پارلمانی فاصله گرفته، به نظام‌های ریاستی نزدیک می‌گردند (هریسی نژاد، ۱۳۹۹: ۱۷۹) برای شناخت اجمالی نظام‌های مختلط، اگر صرفاً عبارات قوانین اساسی کشورهایی که دارای چنین نظامی هستند مورد مطالعه قرار گیرند، شباهت‌ها کاملاً آشکار و مواردی که در سطور پیشین مذکور افتادند در همه آن‌ها قابل مشاهده هستند؛ اما اگر واقعیت‌های سیاسی کشورهای مذکور مدنظر قرار بگیرند معلوم می‌شود که مثلاً در برخی از آن‌ها رؤسای جمهور از اختیارات فراتر از اختیارات شناخته شده در قانون اساسی برخوردار هستند و در برخی دیگر از تمام اختیارات مصرح در قانون اساسی بهره‌مند نمی‌شوند. (۲۰۰۳: ۱۵۲، pactet) با توجه به کارکرد این نظام سیاسی، این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که در دو کشور ایران و مصر با نظامی حقوقی مشابه، طرق و کیفیت نظارت و اعمال اقتدار قوه مقننه بر قوه مجریه چیست و چگونه به کار گرفته می‌شود. هر دو کشور ایران و مصر دارای نظام نیمه پارلمانی - نیمه ریاستی هستند. در توضیح این نوع نظام باید خاطرنشان کرد که هریک از دو نظام ریاستی و پارلمانی دارای معایبی هستند. به همین علت، برخی از کشورها همانند فرانسه، روسیه، پرتغال، کره جنوبی، مصر، جمهوری اسلامی ایران و ترکیه با بهره‌گیری از نقاط مثبت هریک از دو الگوی یادشده مبادرت به ایجاد نظامی آمیخته از نظام ریاستی و پارلمانی نموده‌اند. (عباسی، ۱۳۹۷: ۱۶۵) به علاوه، هر دو کشور اسلامی بوده و به لحاظ موقعیت جغرافیایی در خاورمیانه قرار دارند. همچنین هم ایران و هم مصر، از تمدن‌های کهن جهان بوده و این موارد، لزوم کار تطبیقی دو کشور مورد بحث را تقویت می‌کند.

در باب نظارت پارلمانی آثار علمی زیادی به نگارش در آمده اما در رابطه با مقایسه دو کشور اخیر پیشینه خاصی مشاهده نشد. آنچه مطرح شده به صورت کلی و جزیره‌ای در هر کشور و با تأکید بر سایر جنبه‌های روابط قوا بوده است.

به جهت تطبیقی بودن موضوع، لازم است ابتدا آشنایی مختصری با قوانین اساسی و پیشینه آن و معرفی اجمالی نظام سیاسی این دو کشور صورت پذیرد، سپس نگارندگان وارد واکاوی تطبیقی انواع ابزار نظارتی پارلمان بر دولت در این دو کشور خواهند شد. همچنین بخش سوم ذیل عنوان همکاری دو قوه بیان شده اما در واقع می‌تواند بنا به ایجاب شرایط خاص، خود اهرم فشاری بر دولت از سوی پارلمان باشد که به نوعی مکمل نظارت پارلمانی محسوب گردد.

۱. نگاهی به پیشینه قوانین اساسی در ایران و مصر

۱-۱. جمهوری اسلامی ایران

حدود یک قرن پیش با انقلاب مشروطیت، اولین قانون اساسی در ایران متولد گردید. از مهم‌ترین ویژگی این قانون اساسی محدود کردن اختیارات پادشاه و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های کشور بود. این قانون تا پایان حکومت پهلوی حدود هفتاد سال به‌عنوان قانون اساسی حکومت سلطنتی مشروطه مبنای عمل نظام سیاسی ایران بود. با تغییر نظام سیاسی ایران و با توجه به ساختار سیاسی و نیازهای جدید جامعه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی تدوین گردید.

بر این اساس امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی در حکم نخست‌وزیری مهدی بازرگان یکی از مأموریت‌های دولت موقت را تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید عنوان کردند (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۴) تهیه طرح قانون اساسی بر مبنای ضوابط اسلامی پس از تشکیل هیئت دولت بر عهده «شورای عالی طرح‌های انقلاب» گذاشته شد.

پس از بحث‌های فراوان میان جریان‌های سیاسی وقت در مورد تصویب قانون اساسی جدید و در نهایت با توجه به نظر امام خمینی بنا شد مجلس بررسی قانون اساسی معروف به خبرگان، تشکیل و طرح پیشنهادی قانون اساسی بعد از بررسی به همه‌پرسی گذاشته شود (فوزی، ۱۳۸۴: ۲۴۸) در مرداد سال ۱۳۵۸، هفتادوپنج نفر با گرایش‌های فکری متفاوت به‌عنوان نماینده مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شدند و پس از بررسی و تبادل نظر در حدود سه ماه، سرانجام قانون اساسی جمهوری اسلامی را در دوازده فصل و (۱۷۵) اصل با اکثریت دوسوم مجموع نمایندگان به تصویب رساندند و در دوازدهم آذر سال ۱۳۵۸ بیش از ۹۸ درصد مردم قانون اساسی جدید را تأیید کردند.

مسأله شرط مرجعیت در رهبری، ناهماهنگی در قوه مجریه، ناکارآمدی نظام شورای قوه قضائیه و عدم توافق در قوه مجریه از جمله دلایلی بود که از نظر صاحب‌نظران سیاسی و حقوقی ضرورت بازنگری در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ را پس از یک دهه از اجرای آن روشن می‌ساخت (ملکوتیان، ۱۳۹۰: ۳۱۰-۳۱۳). در نهایت در سال ۱۳۶۸ با فرمان امام خمینی (ره) به رئیس‌جمهور وقت و با تعیین اعضای ۲۰ نفره‌ی شورای بازنگری و مشخص نمودن حدود بازنگری، در تاریخ ششم مرداد سال ۱۳۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی با تأیید ملت ایران مورد بازنگری قرار گرفت که از آن موقع و با گذشت حدود سه دهه همچنان در نظام حقوقی ایران ساری و جاری است.

در ایران، رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است که بر اساس قانون اساسی ضامن عدم انحراف سازمان‌ها از وظایف اسلامی بوده و بر اساس ولایت مطلقه خود در کلیه حوزه‌های عمومی مجاز به تصرف است. با توجه به همین جایگاه مهم در حالی که عمومات تفکیک قوا مبتنی بر تفکیک افقی قوای سه‌گانه و نبود قوه و قدرتی فراتر از قوای یکدیگرند اما اصل (۵۷) قانون اساسی اعمال قوای سه‌گانه را زیر نظر ولایت مطلقه دانسته است. به همین دلیل چارچوب اصلی بررسی روابط رهبری با قوای اصلی کشور، اصل (۵۷) قانون اساسی است و با توجه به همین اصل می‌توان ارتباط نقش رهبری را با قوای دیگر تفسیر نمود. (ارسطا ۱۳۸۹: ۱۰۶)

در تفکیک نسبی قوا، هر قوه‌ای وظیفه قانونی محول شده خود را انجام می‌دهد اما امکان تأثیر بر قوای دیگر را نیز دارد. در واقع اصل (۵۷) قانون اساسی، استقلال قوا از یکدیگر را به‌منظور استقلال و انحصار در انجام وظیفه به کار برده نه عدم نظارت بر یکدیگر. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تدوین قوای سه‌گانه علاوه بر توجه

به ضرورت همکاری قوا برای تأمین اهداف کلی نظام، مراتبی از ارتباط متقابل توأم با نظارت مسئولیت بین قوای حاکم را پیش‌بینی نموده است. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۰)

۱-۲. جمهوری عربی مصر

مصر، یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری از دیدگاه سیاسی و فرهنگی و از مهم‌ترین کشورهای جهان عرب و خاورمیانه است. اولین قانون اساسی یک کشور اسلامی (۱۸۸۲ - قانون اساسی توفیق الخدیوی) و همچنین اولین پارلمان (۱۸۶۶) را می‌توان به این کشور نسبت داد (آقایی طوق، ۱۳۹۱: ۲). بعد از استقلال مصر از استعمار انگلستان، اولین قانون اساسی مصر در سال ۱۹۲۳ م. به نگارش درآمد، اما بعد از آن در سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۵۸، ۱۹۶۴ و ۱۹۷۱ مورد بازنگری‌های کلی و جزئی قرار گرفت. (کعبی، ۱۳۹۱: ۶۹)

در سال ۲۰۱۱ و در ۲۵ دسامبر آن سال ۲۹ استان کشور مصر شاهد درگیری و تظاهرات بود. دوم ژانویه همان سال، انقلاب مصر، متأثر از موفقیت انقلاب تونس، خواستار انحلال مجلس شعب و مجلس شورا و همچنین اصلاح قانون اساسی برای از بین بردن ایده وراثتی شدن حکومت شد (العوضی، الهشام، ۲۰۱۳: ۲۷-۲۸). نیروهای مردمی از جمله اخوان المسلمین و جنبش جوانان سلفی، به اتفاق آرا برای دستیابی به اهداف انقلاب تلاش می‌کردند و خواسته‌هایی از جمله محاکمه مبارک، انحلال پارلمان و تأسیس احزاب سیاسی ... داشتند (فرید، طارق، ۲۰۱۲: ۱۷۱-۱۷۲) پس از انقاقات مهم، حکومت سیاسی مصر هم با این تحولات دچار تغییر و تحولات زیادی شد. حسنی مبارک رئیس‌جمهور وقت مصر از قدرت کنار رفت. از زمان سقوط حسنی مبارک تاکنون قانون اساسی مصر دو بار تغییراتی را به خود دیده است. بار اول تدوین پس از همه‌پرسی قانون اساسی مصر که بعد از انقلاب ۲۰۱۱ میلادی صورت گرفت و در دسامبر ۲۰۱۲ مورد تأیید ۶۴ درصدی رأی‌دهندگان مصری قرار گرفت و همچنین برای مرتبه دوم بعد از کودتای نظامیان علیه محمد مرسی رئیس‌جمهور وقت مصر دوباره مجلس مؤسسان تشکیل شد و این بار طبق اعلام کارگروه عالی انتخابات مصر بیش از ۹۸ درصد مردم در ژانویه ۲۰۱۴ به قانون اساسی رأی دادند. ساختار جدید سیاسی مصر را می‌توان به‌عنوان یک سیستم نیمه ریاستی که در آن رئیس‌جمهور اختیارات قابل توجهی دارد، معرفی نمود. (Fedtke, 2014, 9) قانون اساسی مصر رئیس‌جمهور را رئیس قوه مجریه دانسته و وظیفه او را دفاع از منافع مردم، حفاظت از استقلال، تمامیت ارضی و امنیت کشور قرار داده است (Heliotis, 2014, 139).

ساختار حکومت مصر بر اساس قاعده تفکیک قوا طرح‌ریزی شده و قدرت در میان نهادهای حاکمیت تقسیم گردیده و هر یک از قوا موظفانند تا وظایف محوله در قانون اساسی را در عین ارتباط سازنده با یکدیگر به‌صورت مستقل اجرایی نمایند. (قاضی، ۱۳۳۱: ۱۸۲) قانون اساسی مصر نظام دو مجلسی را که عبارت‌اند از «مجلس نمایندگان» و «مجلس شورا» در سال ۲۰۱۲ پیشنهاد کرد اما در اصلاحات سال ۲۰۱۴ مجلس شورا حذف و قوه مقننه تک‌رکنی پذیرفته شد. قوه مجریه کشور نیز دو رکنی و متشکل از رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس کشور و نخست‌وزیر به‌عنوان رئیس شورای وزیران است. رئیس‌جمهور با رأی مستقیم مردم و با اختیارات گسترده انتخاب می‌گردد در حالی که نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور به مجلس معرفی شده و می‌بایست پاسخگوی اعمال خود در برابر مجلسین بوده و تحت نظارت نمایندگان باشد. (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۱: ۸۰) در مصر در کنار تفکیک نسبی قوا اصطلاحات همکاری قوا و

ارتباط بین قوا نیز وجود دارد زیرا به‌منظور آن است که ارگان‌های مربوط به قوای سه‌گانه باید با تمهیدات حقوقی و سیاسی به هم پیوند داده شوند و در عین تمایز کلیت حاکمیت ملی را نمودار سازند. (شیعه علی، ۱۳۹۶: ۱۱۸-۱۱۹)

۲. نظارت پارلمان بر دولت

۲-۱. تصویب لایحه بودجه

از جانب حقوقدانان و اقتصاددانان تعاریف گوناگونی از بودجه شده است و هر کس از زاویه‌ای آن را مورد تعریف خود قرار داده است. بودجه یکی از وسایل مالی نظارت قوه مقننه بر دولت و نشان‌دهنده اشکال مالی مداخله دولت در فعالیت‌های اقتصادی کشور است (فرزب، ۱۳۸۷: ۱۷) و یا در تعریفی دیگر «بودجه یک سند مالی است مربوط به درآمدها و هزینه‌های دولت» (هاشمی، ۱۳۶۷: ۵۱۴).

تصویب بودجه از صلاحیت‌های قوه مقننه است. در کشور انگلیس، پارلمان پس از سال‌ها مبارزه و مقاومت در برابر دولت توانست چنین حقی را برای قوه مقننه به دست بیاورد و از آن پس صلاحیت قوه مقننه در تصویب بودجه در ردیف اصول قوانین اساسی کشورها قرار گرفت (رنجبری، ۱۳۹۳: ۱۴۵) بر همین اساس اصل (۵۲) قانون اساسی ایران بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود. ماده (۱۲۴) قانون اساسی مصر در این رابطه بیان می‌کند که بودجه عمومی دولت بدون استثنا شامل کلیه درآمدها و هزینه‌های آن را شامل می‌شود و پیش‌نویس آن حداقل نود روز قبل از شروع سال مالی به مجلس نمایندگان ارائه می‌شود و باب به باب آن بدون تأیید ایشان قابل اجرا نیست. مجلس می‌تواند مصارف ذکر شده در پیش‌نویس بودجه را اصلاح کند، مگر هزینه‌هایی که در اجرای یک تعهد خاص دولت دریافت شده است. در ادامه ابراز می‌دارد که اگر این اصلاحیه منجر به افزایش کل هزینه‌ها شود، مجلس باید با دولت توافق کند تا منابع درآمدی را که منجر به توازن مجدد بین آن‌ها می‌شود، تأمین کند و بودجه در متنی صادر می‌شود که ممکن است اصلاحیه موجود در قانون برای رسیدن به این تعادل لازم است. در همه موارد قانون بودجه ممکن است شامل هیچ بندی نباشد که بار جدیدی را بر دوش شهروندان بگذارد.

قانون سال مالی، روش تهیه بودجه عمومی و مفاد بودجه و حساب مؤسسات و ارگان‌های عمومی را تعریف کرده است. تصویب مجلس برای انتقال هر مبلغی از یک فصل به فصل دیگر از فصل‌های عمومی بودجه و برای هر هزینه‌ای که در آن لحاظ نشده است یا بیش از برآورد آن لازم است، توسط قانون لحاظ می‌شود.

۲-۲. نظارت بر اجرای بودجه

لازمه اجرای صحیح بودجه و تأمین نظر قانون‌گذار، نظارت بر چگونگی تأمین درآمدهای عمومی و انجام هزینه عمومی از طرف خود قانون‌گذار است. دیوان محاسبات یکی از نهادهایی است که ابتدا در سال ۱۸۰۷ میلادی در کشور فرانسه تأسیس شده و سپس در نظام‌های حقوقی سایر کشورها از جمله ایران مورد اقتباس و پیش‌بینی قرار گرفته است (پیرنیا، ۱۳۳۹: ۳۸۱). در متمم قانون اساسی مشروطه اصول (۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱) مقررات و ترتیباتی را برای تشکیلات و صلاحیت‌های دیوان محاسبات مقرر داشته و قوانینی نیز از سوی قانون‌گذار در این زمینه وضع گردیده

بود. در نظام حقوقی قبل از انقلاب، هرچند اعضای دیوان محاسبات از سوی مجلس شورای ملی تعیین می‌گردید ولی دیوان محاسبات از نظر تشکیلاتی، یکی از واحدهای تابعه وزارت اقتصاد و دارایی بود (رنجبری ۱۳۹۳: ۱۶۱) اما در اصل ۵۴ قانون اساسی ایران دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان‌ها به‌موجب قانون تعیین خواهد شد. اصل ۵۴ قانون اساسی ایران بیان می‌کند که دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها مؤسسات و شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریح بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید این گزارش باید در دسترس عمومی گذاشته شود.

در همین رابطه ماده (۱۲۵) قانون اساسی مصر بیان می‌کند که حساب نهایی بودجه عمومی باید ظرف مدت بیش از شش ماه از تاریخ پایان سال مالی به مجلس نمایندگان ارائه شود. گزارش سازمان حسابرسی مرکزی و یادداشت‌های آن در مورد حساب نهایی سالانه است. رأی‌گیری در مورد حساب نهایی فصل به فصل انجام و تصویب می‌شود. مجلس می‌تواند هرگونه اطلاعات یا گزارش دیگری را از سازمان حسابرسی مرکزی درخواست کند.

۲-۳. نظارت سیاسی

در یک مفهوم کلی این قسم از نظارت، از نظر اعمال حاکمیت مطرح است و شامل مطالعه، بازرسی و رسیدگی به افراد، نهادها، سازمان‌ها یا مقامات سیاسی درباره‌ی جریان امور عمومی کشور، مراجع و نهادهای حکومتی و مستخدمان و اموال آن‌ها است تا از حسن جریان امور اطمینان حاصل گردد (عمید زنجانی و موسی زاده، ۱۳۸۹: ۵۳). فلسفه‌ی نظارت سیاسی، جلوگیری از طغیان و سرکشی است که به استبداد و ظلم و بی‌عدالتی منجر می‌شود (جوان آراسته، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

می‌توان گفت نظارت سیاسی هم با رشته حقوق مرتبط است و هم از موضوعات مهم سیاست داخلی به شمار می‌رود چون از یک سو تلاش در جهت تحدید قدرت دولت‌ها و از سوی دیگر سازمان‌بندی سیاسی حکومت آن را با اندیشه‌های سیاسی مرتبط می‌سازد.

در ادامه از رأی اعتماد تا سلب اعتماد و برکناری وزرا و نظارت‌های سیاسی بر رئیس‌جمهور مورد بحث واقع می‌گردد. اصل ۸۷ قانون اساسی ایران: رئیس‌جمهور برای هیئت‌وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس برای هیئت‌وزیران تقاضای رأی اعتماد کند. مورد اخیر بیشتر جنبه سیاسی دارد نه حقوقی.

اصل (۸۸) قانون اساسی ایران بیان می‌کند: «در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس‌جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف آن‌ها سؤال کنند رئیس‌جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس‌جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.» شورای نگهبان در نظریه تفسیری شماره م ۳۰۹۳ مورخ ۱۳۶۰/۰۵/۰۸ بیان کرده که دولت و وزرا در برابر مجلس و نمایندگان

مجلس مسئول اند و سؤال نمایندگان باید در مجلس عنوان و در مجلس به آن پاسخ داده شود و به غیر این صورت سؤال نمایندگان از دولت و هر مقام اجرایی دیگر و پاسخ آن‌ها حکم سؤال و پاسخ‌های عادی را دارد.

اصل (۸۹) قانون اساسی ایران در این رابطه بیان می‌کند:

۱. نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت‌وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کند استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ۱۰ نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود هیئت‌وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ۱۰ روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد به خواهد در صورت عدم حضور هیئت‌وزیران یا وزیر برای پاسخ نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیئت‌وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیئت‌وزیران ای که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند

۲. در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند رئیس‌جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح‌شده توضیحات کافی بدهد در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس‌جمهور اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ۱۰ اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.

قانون اساسی مصر نیز روند خاص نظارت سیاسی بر دولت را به طرق مختلف پی گرفته است. ماده ۱۲۹ قانون اساسی مصر بیان می‌کند که هر یک از اعضای مجلس نمایندگان می‌توان سؤالات مربوط به هر موضوعی را که در صلاحیت آن‌ها باشد به نخست‌وزیر، یکی از معاونان وی، یکی از وزرا یا معاونان آن‌ها بسپارد و آن‌ها باید در همان جلسه به این سؤالات پاسخ دهند. یک عضو ممکن است هر زمان سؤال را پس بگیرد و سؤال در همان جلسه به استیضاح تبدیل نشود.

همچنین ماده (۱۳۰) قانون اساسی مصر ابراز داشته که هر یک از اعضای مجلس نمایندگان باید از نخست‌وزیر، یکی از معاونان وی، یکی از وزرا یا معاونان آن‌ها تحقیق کند تا آن‌ها را در مورد امور مربوط به صلاحیت آن‌ها مسئول بداند. مجلس استیضاح را حداقل پس از هفت روز از تاریخ ارسال آن و حداکثر شصت روز، به‌استثنای موارد اضطراری و پس از تأیید دولت، به جریان می‌اندازد.

در ادامه ماده (۱۳۱) قانون اساسی مصر مشعر است بر این که مجلس نمایندگان می‌تواند تصمیم به جلب اعتماد نخست‌وزیر، یکی از معاونان وی، یکی از وزرا یا معاونان آن‌ها بگیرد. درخواست جلب اعتماد نمی‌تواند ارائه شود مگر پس از تحقیق و بر اساس پیشنهاد حداقل یک دهم اعضای مجلس مبنی بر اعتماد به اکثر اعضا. در همه موارد، درخواست سلب اعتماد در مورد موضوعی که شورا قبلاً در طول جلسه خود درباره آن تصمیم گرفته است، مجاز نیست. اگر شورا تصمیم بگیرد اعتماد خود را از نخست‌وزیر، یکی از معاونان وی، یکی از وزرا یا معاونان آن‌ها پس بگیرد و دولت قبل از رأی‌گیری با او اعلام همبستگی کند، دولت باید استعفای خود را ارائه دهد و اگر تصمیم برای سلب اعتماد در مورد یکی از اعضای دولت باشد، استعفای وی لازم است.

ماده (۱۳۲) قانون اساسی مصر به‌عنوان اصلی مهم و بازدارنده اعلام می‌کند که حداقل بیست نفر از اعضای مجلس نمایندگان می‌توانند برای دستیابی به توضیحات در مورد سیاست دولت، بحث در مورد یک مسئله عمومی را درخواست کنند و استیضاح عام بر روی آن را به جریان بیندازند.

ماده (۱۴۷) قانون اساسی مصر از سوی دیگر اعلام کرده که رئیس‌جمهوری می‌تواند دولت را از انجام کار خود معاف و منحل کند منوط به تأیید اکثریت اعضای مجلس نمایندگان. رئیس‌جمهور می‌تواند پس از مشورت با نخست‌وزیر و تصویب مجلس نمایندگان با اکثریت مطلق حاضران و حداقل از یک سوم اعضای شورا، تغییرات اخیر را انجام دهد.

بحث طرح اتهام علیه رئیس‌جمهور در ماده (۱۵۹) قانون اساسی مصر مطرح می‌شود؛ بدین ترتیب که اتهام رئیس‌جمهوری به نقض مفاد قانون اساسی، خیانت در امانت یا هر نوع جنایت دیگر، بر اساس درخواستی است که حداقل توسط اکثریت اعضای مجلس نمایندگان امضا شده و تصمیم به صدور کیفرخواست پس از تحقیق توسط دادستان کل کشور فقط با اکثریت دو سوم اعضای مجلس صادر می‌شود. اگر مانعی وجود داشته باشد، یکی از دستیاران وی جای او را می‌گیرد. به محض صدور این تصمیم، رئیس‌جمهور از کار خود معلق می‌شود و این یک مانع موقت در نظر گرفته می‌شود که وی را از اعمال اختیارات خود تا زمان صدور حکم در پرونده بازمی‌دارد. رئیس‌جمهور در دادگاه ویژه‌ای به ریاست شورای عالی قضایی و با عضویت عالی‌ترین معاون رئیس دادگاه عالی قانون اساسی، ارشدترین معاون رئیس شورای دولتی و دو نفر از قضات ارشد دادگاه‌های تجدیدنظر، محاکمه می‌شود. احکام دادگاه قطعی است و قابل اعتراض نیست. قانون مراحل رسیدگی و دادرسی را تنظیم و در صورت صدور حکم محکومیت علیه رئیس‌جمهور، وی از سمت خود منعزل می‌شود.

ماده (۱۶۱) قانون اساسی مصر نیز بیان می‌کند که مجلس نمایندگان می‌تواند بر اساس درخواست مستدل با امضای حداقل اکثریت اعضای مجلس نمایندگان و تصویب دو سوم از مجلس، پیشنهاد سلب اعتماد از رئیس‌جمهور و برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری را پیشنهاد کند. ارائه این درخواست به همان دلیل در دوره ریاست جمهوری مجاز نیست، مگر یک بار پس از تصویب طرح سلب اعتماد، با دعوت از نخست‌وزیر و در صورت تأیید اکثریت، دستور سلب اعتماد از رئیس‌جمهور و انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری در همه‌پرسی عمومی برگزار می‌شود. از این رو رئیس‌جمهور از سمت خود برکنار شده. چون مقام رئیس‌جمهوری خالی است و انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری برگزار می‌شود.

ظرف شصت روز از تاریخ اعلام نتیجه همه‌پرسی در صورت رأی نیاوردن همه‌پرسی، مجلس نمایندگان منحل شده تلقی شده و از رئیس‌جمهور خواسته می‌شود ظرف سی روز از تاریخ انحلال مجلس نمایندگان، کابینه جدید را انتخاب کند.

۲-۴. نظارت غیر قضایی

بازرسی و نظارت بر دستگاه‌های اجرائی و نقش بی‌بدیل آن در تأمین و تحقق اهداف قانون‌گذاری و تضمین همه‌جانبه حقوق ملت و خواسته‌های حکومت و تعمیم عدالت، امنیت و آزادی به تمامی سطوح و ابعاد جامعه و صیانت از اموال عمومی و بیت‌المال مسلمین و نهایتاً تحقق دولت و نظام اداری کارآمد، سالم و مطلوب، بر کسی پوشیده نیست. علاوه

بر این یکی از خصایص غیرقابل انکار در حکمرانی مطلوب و مدیریت شایسته در حکومت‌های امروزی، اعمال بازرسی و نظارت می‌باشد (موسی زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۸). در نظام حقوقی کشورمان علاوه بر نظارت قضایی بر اعمال و اقدامات دستگاه‌های اداری نظارت غیر قضایی نیز پیش‌بینی شده است (مومنی، ۱۳۸۸: ۱۸۲) یکی از موارد مهم نظارت در نظم اساسی کشورها و تأثیرگذاری پارلمان‌ها بر دولت‌ها نظارت غیر قضایی پارلمان بر دولت‌ها است که در ذیل به موارد مهم آن اشاره می‌شود.

۲-۴-۱. رسیدگی به شکایات مردمی از قوا

کمیسیون اصل نودم مجلس شورای اسلامی که اعتبار خود را از اصل نود قانون اساسی گرفته است، در واقع تقلیدی از ماده (۳۲) قانون اساسی مشروطه است که بیان می‌داشت: «هرکس از افراد ناس می‌تواند عرض حال یا ایرادات و شکایات خود را کتباً به دفترخانه عرایض مجلس عرضه بدارد. اگر مطلب راجع به خود مجلس باشد، جواب کافی به او خواهد داد و چنانچه مطلب راجع به یکی از وزارتخانه‌هاست، بدان وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی نمایند و جواب مکفی بدهند.» لازم به ذکر است که ماده (۳۲) قانون اساسی مشروطه خود ترجمه‌ای از قوانین اساسی کشورهای اروپایی است که گفته می‌شود ترجمه ماده (۲۱) قانون اساسی بلژیک است. (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۰: ۱)

در این رابطه اصل (۹۰) قانون اساسی ایران ابراز داشته: هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آن‌ها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد باید به اطلاع عامه برسد.

ماده (۱۳۸) قانون اساسی مصر نیز با پیش‌بینی نهادی مشابه اعلام داشته: هر شهروند حق دارد که پیشنهادهای کتبی خود را در مورد امور عمومی به مجلس نمایندگان ارائه دهد و ممکن است شکایاتی را به مجلس ارائه کند که به وزرای مربوطه ارجاع می‌شود و آن‌ها در صورت درخواست مجلس و شخص باید توضیحات خود را ارائه دهند و افراد از نتیجه آن مطلع می‌شوند.

نقاط قوت نظام حقوقی ایران در این حیطة، وجود مرجع مشخص، قانونی و معین با سرعت نسبی در رسیدگی، قدرت اخذ پاسخ از قوه مجریه و قوه قضاییه و انتشار نتایج در موارد عمومی است و نقاط ضعف آن، عبارت است از اینکه گزارش‌های کمیسیون اغلب به اصلاحات ساختاری منجر نمی‌شوند و بار پرونده‌ها سنگین است. همچنین توان نظارتی محدود نسبت به اصلاح رویه‌ها و اعمال قانون از جمله این موارد است. در مصر اما نقاط قوت شامل تعامل الکترونیکی مستقیم، شفافیت در پاسخ‌گویی، سرعت بالا در رسیدگی، انعکاس سریع مشکلات واقعی جامعه و امکان مداخله فوری وزارتخانه‌ها و پشتوانه اجرایی توسط هیئت دولت و نقاط ضعف عبارت‌اند از فقدان ضمانت قانونی الزام پاسخ از مجلس، امکان مسکوت ماندن برخی شکایات بدون رسیدگی جامع، تمرکز پاسخ در نهاد اجرایی و محدودیت مشارکت مستقیم پارلمان در نتیجه‌گیری.

۲-۴-۲. تحقیق و تفحص

در اصل (۷۶) قانون اساسی ایران مقرر است که مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. طبیعتاً تمام امور کشور، به معنای امور سیاسی-اداری و قضایی است ضمناً این حق مجلس است نه تک تک نمایندگان. این نکته حائز اهمیت است که تحقیق و تفحص، یک نوع نظارت اطلاعاتی است و اثر فوری ندارد و نتیجه آن، می‌تواند معرفی به مراجع نظارتی و محاکم قضایی باشد. نظرات و تفاسیر شورای نگهبان در این زمینه قابل توجه است. مطابق نظر شماره ۳۳۰۸ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۳، نهادهای مافوق مجلس (رهبری، شورای نگهبان، مجلس خبرگان) از شمول تحقیق و تفحص خارج شده‌اند. رویه اجرایی طبق قانون آیین‌نامه داخلی مجلس این‌گونه است که نماینده‌ای که درخواست تحقیق و تفحص داشته باشد، باید آن را کتبی به هیئت‌رئیس ارائه دهد و هیئت ظرف ۴۸ ساعت آن را به کمیسیون تخصصی ارجاع می‌دهد. کمیسیون ظرف ۲ هفته اطلاعات اولیه را ارائه می‌کند؛ اگر کافی نباشد، جلسه با مقام اجرایی مرتبط برگزار می‌شود و طی یک هفته گزارش تصویب یا رد تقاضا ارائه می‌شود. در صورت تصویب، کمیته تحقیق با حداقل ۱۱ و حداکثر ۱۵ عضو تعیین می‌شود. گزارش نهایی طی ۶ ماه ارائه می‌شود و امکان تمدید تا ۶ ماه با تصویب هیئت‌رئیس وجود خواهد داشت.

ماده (۱۳۵) قانون اساسی مصر هم بیان می‌کند که مجلس نمایندگان می‌تواند یک کمیته ویژه تشکیل دهد، یا یکی از کمیته‌های خود را به منظور بررسی حقایق در مورد مسئله‌ای عمومی یا بررسی فعالیت‌های یک نهاد اداری، یک نهاد عمومی یا یک پروژه عمومی، به منظور بررسی حقایق در مورد یک موضوع خاص اختصاص دهد و واقعیت اوضاع مالی یا اداری یا اقتصادی و یا انجام تحقیقات در مورد هر موضوع مربوط به یکی از کارهای قبلی یا موارد دیگر را به مجلس اطلاع دهد و شورا تصمیم می‌گیرد که در این زمینه چه اقدامی مبذول دارد.

رسمی بودن مراحل، زمان‌های مشخص برای معرفی و ارائه گزارش، تفویض ناپذیر بودن این حق به فرد نمایندگان، حفظ کارایی و انسجام فرایند نظارتی از جمله نقاط قوت و مثبت حق تحقیق و تفحص در ایران‌اند. لیکن محدودیت در شمول نهادها به موجب تفاسیر شورای نگهبان در تناقض با نص اصل (۷۶) است. همچنین لحاظ نشدن شرط برخورداری از تخصص مرتبط با موضوع تحقیق و تفحص برای اعضای هیأت و مشخص نبودن سازوکار برای تهیه گزارش از سوی هیأت تحقیق و تفحص مشتمل بر حدنصاب رسمیت جلسات، نحوه تصمیم‌گیری درباره بندهای گزارش و ضمانت اجرای غیبت اعضای هیأت از دیگر نکات منفی قابل بیان است (حبیب نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۶-۱۳۷).

در رابطه با نقاط ضعف نظام حقوقی حاکم بر تحقیق و تفحص مصر نیز لازم به بیان است که احتمال مداخله سیاسی کمیته در برخی موارد حساس وجود دارد که ممکن است محدودیت‌های عملی یا اجرایی به وجود آورد.

۲-۵. نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولتی

کنترل قدرت در نگاه کلاسیک هدف اصلی حقوق عمومی می‌باشد (هداوند، ۱۳۸۶: ۲۷۹) اگر به این امر هم نگاه جزئی‌تر داشته باشیم کنترل قدرت در حوزه حقوق اداری نیز حائز اهمیت است. در نظم اساسی و اداری ایران طرق مختلفی برای نظارت بر اداره پیش‌بینی شده است که با توجه به موضوع مورد بحث یکی از انواع این نظارت از طریق پارلمان و شخص رئیس مجلس صورت می‌گیرد.

البته در بین پژوهشگران حقوق عمومی برخی ماهیت این نظارت را اطلاعی دانسته و آن را فاقد ضمانت اجرای عملی می‌دانند (حبیب نژاد، ۱۳۸۹: ۱۲۱) و البته برخی موافق نظارت استصوابی این نوع نظارت هستند و با توجه به اصول ۸۵ و ۱۳۸ نظر رئیس مجلس را دارای ضمانت اجرای قانونی می‌دانند (کدخدایی، درویشوند، ۱۳۹۱: ۹۹).

اصل ۸۵ قانون اساسی اعلام می‌دارد که سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آن‌ها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آن‌ها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است.

علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آن‌ها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل (۱۳۸) نیز ابراز داشته که علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه پردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آن‌ها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیأت وزیران بفرستد.

در مصر، حق درخواست بررسی فوری (بیان عاجل) از سوی رئیس مجلس مطابق مواد (۱۳۴) و (۱۳۶) آیین‌نامه شناسایی گردیده است. بدین ترتیب که رئیس مجلس می‌تواند بررسی فوری درباره مغایرت یک مصوبه دولتی با قانون یا قانون اساسی را در دستور کار مجلس قرار دهد.

۳. همکاری پارلمان و دولت

۳-۱. وضع محدودیت‌های ضروری

تضمین حقوق و آزادی‌ها را نباید به معنای مطلق بودن آن‌ها در نظر گرفت، بیشتر حقوق و آزادی‌ها در شرایط خاصی با محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند. در نگرش حقوقی، اغلب حق‌ها و آزادی‌ها در برخورد با مفاهیمی چون نظم عمومی یا سود همگانی یا در مقام تعارض با یک حق یا آزادی دیگران از قابلیت نسبی شدن برخوردار است (گرگی، ۱۳۹۳: ۱۶۲). در حکومت‌های مردمی تأکید بر آزادی آن‌چنان در قانون اساسی واجد اهمیت است که حتی قانون‌گذار حق ندارد آزادی‌های مشروع را که حق فطری و خدادادی است از شهروندان سلب نماید. ولی در برخی

موارد حتی در حکومت‌های مبتنی بر قانون و مردم‌سالاری، عواملی ایذایی، شرایط عادی جامعه را به هم زده و جامعه را در شرایط استثنایی قرار می‌دهد که بدون تردید اداره امور جامعه در این حالت مستلزم قواعد خاص خود می‌باشد (ساعد و کیل و عسکری ۳۶۶: ۱۳۹۳)

از همین رو اصل (۷۹) قانون اساسی ایران ابراز داشته که برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از ۳۰ روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

در همین رابطه ماده (۱۵۴) قانون اساسی مصر مقرر می‌دارد که رئیس‌جمهور، پس از نظر شورای وزیران، وضعیت اضطراری را طبق روشی که قانون تنظیم کرده اعلام می‌کند و این اعلامیه باید ظرف هفت روز بعد به شورای نمایندگان ارائه شود تا تصمیم بگیرد چه نظری دارد.

اگر اعلامیه خارج از جلسه عادی ارائه شود، باید از شورا دعوت شود تا بلافاصله برای ارائه آن تشکیل جلسه دهد. در همه موارد، تصویب اکثریت اعضای شورا باید اعلام وضعیت اضطراری را تأیید کند و اعلامیه آن برای مدت بیش از سه ماه نباشد و فقط برای مدت مشابه دیگری پس از تصویب دو سوم تعداد اعضای شورا تمدید می‌شود. اگر مجلس موجود نبود، موضوع برای تصویب به شورای وزیران ارائه می‌شود، مشروط بر اینکه در اولین جلسه به مجلس نمایندگان جدید ارائه شود.

همچنین مجلس نمایندگان ممکن است در حالی که وضعیت اضطراری در حال اجرا است، منحل نشود. از این حیث که نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، محدودیت زمانی کوتاه‌تر (۳۰ روزه) را در نظر گرفته و به نوعی حتی در شرایط اضطراری، تعادل میان امنیت و آزادی‌ها را رعایت نموده است. این زمان کوتاه مانع از عادی‌سازی وضعیت اضطراری می‌شود و لزوم تصویب پیشینی مجلس شورای اسلامی، پرهیز از تمرکزگرایی در قوه مجریه را نمایان می‌سازد. به خلاف مصر که رئیس‌جمهور در آنجا قدرت اعلام اضطرار را دارد، در ایران، این قدرت با تصمیم جمعی هیئت دولت و تصویب مجلس است. البته تمدید دوره ضرورت، تنها برای یک‌بار و با رأی دو سوم نمایندگان در مصر، مانع از سوءاستفاده احتمالی قوه مجریه تلقی می‌شود. نکته دیگر اینکه پیش‌بینی حالت عدم تشکیل مجلس نیز در نظام حقوقی مصر اتفاق افتاده و چنانچه مجلس نمایندگان منحل شده باشد یا تشکیل نشده باشد، شورای وزیران می‌تواند وضعیت اضطراری را تصویب کند، مشروط به تأیید پارلمان بعدی. این یعنی ضمانت استمرار نظارت پارلمانی (ماده ۱۵۴ قانون اساسی مصر) و ممنوعیت انحلال پارلمان در این دوره با هدف جلوگیری از قدرت مطلق رئیس‌جمهور در حذف پارلمان گنجانده شده است.

البته نکته منفی راجع به نظام حقوقی ایران، عدم تبیین جزئیات اجرایی در اصل (۷۹) و صرفاً به کلیات پرداختن است. دستورالعمل‌های اجرایی مانند «معیار اضطرار»، «مرجع تشخیص اضطرار»، «نظارت قضایی در دوره اضطرار»، «حقوق افراد در دوره اضطرار» و امثالهم نیز که می‌بایست در قالب قانون تعیین تکلیف گردند، به دلیل عدم تصویب قانون اجرای اصل (۷۹)، نامشخص باقی مانده‌اند.

در نظام حقوقی مصر هم امکان اعلام وضعیت اضطراری قبل از تصویب مجلس توسط رئیس‌جمهور و سپس ارائه به مجلس، ممکن است منجر به سوءاستفاده در اعلام اولیه گردد. هم اینکه مدت اولیه بسیار طولانی است (۳ ماه) و ممکن است فضای امنیتی را برای مدت بیشتری به جامعه تحمیل کند.

۳-۲. از انعقاد تا تصویب معاهدات بین‌المللی

امضای معاهده توسط مقام صلاحیت‌دار یا نمایندگان تام‌الاختیار کشورها صورت می‌پذیرد. امضای معاهده آثار مختلفی دارد. در مواردی، این امضا دلیلی بر اعلام رضایت قطعی دولت به التزام در قبال یک معاهده، تلقی می‌شود و در دیگر موارد به‌منزله اقدامی مقدماتی صورت می‌پذیرد و تصمیم‌گیری نهایی در خصوص پذیرش یا رد قطعی معاهده به مقامات صلاحیت‌دار داخلی واگذار می‌گردد (خلف رضایی، ۱۳۹۶: ۳۵).

اصل (۷۷) قانون اساسی ایران بیان می‌کند: عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

توضیح اینکه قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی به قراردادهای گفته می‌شود که تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل عمومی یعنی معاهده و کنوانسیون قرار دارد همچنین الحاق ایران به مجامع و سازمان‌های بین‌المللی هم مستلزم تصویب مجلس شورای اسلامی است اما فسخ یا اقاله قراردادهای نیاز به تصویب مجلس ندارد.

همچنین اصل (۱۲۵) قانون اساسی ایران عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی را با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او می‌داند.

توضیح اینکه نظارت مجلس در این مورد استصوابی است و در واقع مجوز انعقاد را صادر می‌کند اما ابتکار انعقاد با قوه مجریه است و طرف متعاقد اصلی قوه مجریه و رئیس‌جمهور هستند پس از تصویب مجلس رئیس‌جمهور صلاحیت اختیاری امضا یا عدم امضای قرارداد را دارد و پاسخگوی مجلس نیست. ابتدا معاهده منعقد می‌شود سپس مجلس آن را تصویب می‌کند و در آخر به امضای رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او خواهد رسید.

در همین زمینه ماده (۱۵۱) قانون اساسی مصر مطرح کرده که رئیس‌جمهوری، نماینده دولت در روابط خارجی خود است و پس از تصویب مجلس نمایندگان معاهداتی منعقد می‌کند و آن‌ها را تصویب می‌نماید و این معاهدات مطابق مفاد قانون اساسی پس از انتشار از اعتبار قانون برخوردار خواهند بود.

البته در شورای وزیران (هیئت دولت) نیز پیش از ارسال به رئیس‌جمهور، سند به تصویب می‌رسد. گاهی در همین مرحله نظرات شورای فنی یا مشورتی وزارتخانه‌های ذی‌ربط نیز اخذ می‌شود. این مسائل در قانون شورای دولت مصر ۱۹۷۲ بیان گردیده و بعضاً لازم‌الاجرا شدن آن بعد از امضای رئیس‌جمهور، منوط به تصویب مجلس است. خصوصاً قراردادهایی که با حق حاکمیت، بودجه عمومی یا حقوق شهروندان مرتبط باشند لزوماً باید به تصویب مجلس برسند و مجلس می‌تواند قرارداد را بپذیرد، رد کند یا آن را به همه‌پرسی بگذارد. البته چنانچه قرارداد صرفاً در سطح فنی یا اجرایی باشد و حق حاکمیت را نقض نکند، نیاز به تصویب پارلمان ندارد.

نتیجه‌گیری

ایجاد تعادل و توازن میان قوا در عین حفظ استقلال و کارایی هر قوه از مهم‌ترین چالش‌های متفکران و اندیشمندان حقوق اساسی بوده است. امروزه با فاصله گرفتن از تفکر استقلال و تفکیک مطلق قوا، در عمل به‌سوی واقع‌گرایی توأم با کارایی حرکت می‌شود. نظام نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی در واقع واکنشی است به کاستی‌ها و نقص هر کدام از دو نظام ریاستی و پارلمانی که برخی نظام‌ها با در نظر گرفتن مقتضیات و سایر متغیرها در منطقه خود و توجه به عوامل فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و... خاص به خود در پیش گرفتند. در ایران و مصر نیز کم و بیش همین امر حکم فرماست؛ چراکه هر دو کشور با وجود فرقه‌هایی به آن سمت و سو حرکت کردند. از این رو مسئله نظارت پارلمانی به‌عنوان ابزار اعمال اقتدار بر دولت، در این دو کشور از مشابهت‌های زیادی برخوردار است.

در زمینه نظارت مالی در هر دو قانون اساسی تأکید بر بررسی و تصویب سالیانه لایحه بودجه ارسالی از سوی دولت است، اگرچه قانون اساسی مصر با جزئیات بیشتری بدان پرداخته است. همچنین پیش‌بینی ضمانت اجرا و نهاد ناظر بر اجرای صحیح قانون بودجه بر قوت و استحکام آن در هر دو کشور افزوده است؛ هرچند نقش دیوان محاسبات در جمهوری اسلامی قوی‌تر و دقیق‌تر ارزیابی می‌گردد. در این زمینه نظریات شورای نگهبان و دادگاه عالی قانون اساسی مصر بسیار مهم و قابل مراجعه است.

جمع‌بندی و ارزیابی تطبیقی نظام ایران و مصر در شرایط اضطراری چنین است که قانون اساسی ایران با تأکید بر ضرورت کسب مجوز پیش از اعمال محدودیت‌ها و زمان محدود ۳۰ روزه، در ظاهر سازوکاری محتاطانه‌تر و مبتنی بر پیشگیری از سوءاستفاده دولت طراحی کرده است؛ و در مقابل، نظام مصر با تدوین مفصل‌تر (ماده ۱۵۴ قانون اساسی)، قاعده‌گذاری دقیق‌تری انجام داده و تضامین مهمی مثل ممنوعیت انحلال مجلس و لزوم رأی دوسوم نمایندگان برای تمدید را درج کرده است که کنترل سیاسی بیشتری بر اختیارات رئیس‌جمهور اعمال می‌کند. لذا در حالی که ایران از نظر اصل احتیاط و محدودسازی اولیه دست بالاتر را دارد، مصر در مهندسی حقوقی دقیق‌تر، پیش‌بینی سناریوهای مختلف و حفظ کنترل پارلمانی در دوره اضطراری عملکرد ساختاریافته‌تری دارد. به‌ویژه صراحت ماده (۱۵۴) قانون اساسی مصر الگویی مفید برای اصلاح ساختار وضعیت اضطراری در ایران است.

در رابطه با تحقیق و تفحص، نظام حقوقی ایران، چارچوب دقیق و رسمی‌تری برای فرآیند تحقیق و تفحص در نظر گرفته، اما با تفاسیر محدودکننده و رویه‌های داخلی ناظر بر نهادهای خاص، قدرت عملی آن کمتر است. از آن سو، مصر با قانون اساسی بازتر و آیین‌نامه داخلی روشن‌تر، امکان نظارت عملی‌تری را برای مجلس فراهم کرده است.

در ارتباط با شکایت از قوا در مجلس و مقایسه دو نظام، چنانچه معیار کارآمدی، سرعت پاسخ‌دهی، پوشش گسترده شکایات و شفافیت برای شهروندان مطرح باشد، نظام حاکم بر مصر با سامانه متمرکز، تعامل الکترونیکی و پیگیری اجرایی قوی‌تر، برتر به نظر می‌رسد. با این حال، اگر معیار تأکید بر مسئولیت نهاد پارلمانی، پاسخ‌گویی الزام‌آور و استقلال در بررسی باشد، الگوی ایران با کمیسیون اصل ۹۰ از نظر عدالت ساختاری بهتر است. پیشنهاد ما برای ارتقاء این نظارت پارلمانی در ایران، ترکیب این دو نظام – یعنی حفظ کمیسیون قانونی با توسعه سامانه شکایات الکترونیکی و تعامل با نهادهای اجرایی – است که می‌تواند به یک الگوی مؤثر و پاسخگو منجر شود.

در بخش نظارت سیاسی نیز شباهت زیادی دیده می‌شود اما در مجموع با توجه به تغییرات پارلمان مصر از مجلس دو رکنی به تک رکنی در سال‌های اخیر در جهت اعمال کارایی و انسجام بیشتر، اما به نظر می‌رسد تا جا افتادن کامل آن هنوز زمان لازم است. با این همه موارد نظارت سیاسی مناسبی پیش‌بینی شده است. در بخش نظارت غیر قضایی مواردی چون شکایت از نهادهای مختلف به پارلمان ابزار مناسبی است که در هر دو قانون اساسی به رسمیت شناخته شده و یا تشکیل کمیته و کمیسیون‌های تحقیق نیز از همین موارد است؛ اما مواردی چون نظارت رئیس مجلس بر مصوبات دولت و هیأت وزیران از طرق نظارتی بود که تنها در جمهوری اسلامی اعمال می‌شود و خود اهرمی است بر نظارت بیشتر مجلس بخصوص بر رویه اداری کشور.

منابع

فارسی:

- ارسطا، محمدجواد (۱۳۸۹)، نگاهی به مبانی تحلیلی جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب.
- آل مدکس، رابرت، (۱۳۸۵) قوانین اساسی کشورهای جهان، ترجمه سید مقداد ترابی، نشر شهر دانش امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶)، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- آقای طوق، مسلم، غمامی، سید محمدمهدی (۱۳۹۱). «تحولات حقوق و آزادی‌های شهروندی در مصر مبتنی بر قانون اساسی ۲۰۱۲ م»، فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، سال اول، شماره اول.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۶)، چهارچوبی مفهومی برای فهم تحولات سیاسی مصر، پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، شماره ۲۲
- پیرنیا، حسین (۱۳۳۹)، مالیه عمومی، مالیات‌ها و بودجه، انتشارات کتابخانه ابن‌سینا
- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۴)، حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام، قم، دفتر نشر معارف
- جوان آراسته، حسین (۱۳۹۵)، تفکیک قوا در نظام سیاسی اسلام و جمهوری اسلامی ایران، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و نهم، شماره یکم، صفحه ۵۱ - ۶۷
- حبیب نژاد، سید احمد (۱۳۸۹)، ابزارهای نظارتی رئیس‌جمهور بر مصوبات قوه مجریه، فصلنامه حقوق اسلامی، ش ۲۵
- حبیب نژاد، سید احمد و همکاران (۱۴۰۱)، نظارت پارلمانی؛ اصول، آسیب‌شناسی و بایسته‌ها، تهران: مجلس شورای اسلامی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد.
- خابوری گل اشکنانی، امیر حسین، فقیه حبیبی، علی و وارسته بازقلعه، محمد. (۱۴۰۴). «تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران و عراق». مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، ۳ (۳)، ص ۲۶
- خلف رضایی، حسین (۱۳۹۶)، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در نظام جمهوری اسلامی (بررسی تحلیلی نظرات شورای نگهبان)، پژوهش‌شکده شورای نگهبان، چاپ دوم
- رنجبری، ابوالفضل (۱۳۹۳)، حقوق مالی و مالیه عمومی، انتشارات مجد، چاپ دوازدهم
- ساعد وکیل، امیر و عسگری، پوریا (۱۳۹۳)، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، چاپ پنجم، انتشارات مجد
- شبیعه علی، علی، زارع، وحید، (۱۳۹۶)، بررسی نظریه تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به رابطه ولایت‌فقیه با تفکیک قوا، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال ششم، شماره ۱۸ صص ۱۱۱ - ۱۳۵
- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۸)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ چهاردهم تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- عباسی، بیژن (۱۳۹۷)، حقوق اساسی تطبیقی، انتشارات دادگستر، تهران، چاپ دوم
- علوی، پرویز، صادقیان، نادعلی (۱۳۸۹)، ریشه‌های فکری اصل تفکیک قوا اهمیت و دسته‌بندی نظام‌های سیاسی بر پایه تفکیک قوا، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰ شماره ۲، صفحه ۲۵۹ - ۲۷۳
- عمید زنجانی، عباسعلی و موسی زاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- غممی، سید محمد مهدی، خلف رضایی، حسین (۱۳۹۲)، ساز و کارهای حل اختلاف و تنظیم روابط قوای در نظام جمهوری اسلامی ایران با مطالعه تطبیقی دیگر نظام‌های حقوقی، فصلنامه دانش حقوق عمومی سال دوم، شماره ۵ صفحات ۶۱ تا

- فرزب، علیرضا (۱۳۷۸)، بودجه‌ریزی دولتی در ایران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴)، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (دو جلدی)، تهران: عروج، چاپ اول.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۰)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۶۷)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران
- قاضی، ابوالفضل (شریعت پناهی) (۱۳۸۹)، بایسته‌های حقوق اساسی، نشر میزان.
- کدخدایی، عباسعلی و درویشوند، ابوالفضل (۱۳۹۱)، نظارت بر مقررات دولتی (اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی)، فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، شماره ۱
- کعبی، عباس، علم‌الهدی، حجت، فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۴). «تحلیل و بررسی قانون اساسی مصر (۲۰۱۲)»، فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، شماره اول.
- کعبی، عباس، علم‌الهدی، سیدحجت‌الله، ظفرقندی، فتاحی، علی (۱۳۹۱)، تحلیل و بررسی قانون اساسی مصر ۲۰۱۳ میلادی. فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، سال اول، شماره ۱
- گرگی ازندریانی، علی اکبر (۱۳۹۳)، مبانی حقوق عمومی، چاپ چهارم انتشارات جنگل
- گرگی ازندریانی، علی اکبر، رضایی، مرتضی (۱۳۹۳)، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه در جمهوری اسلامی ایران، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و هشتم، شماره هشتاد و پنجم
- لمباردی، کلارک، ب، شماره ۲۴، اسلام و حقوق اساسی در مصر، ترجمه حسن رضایی نشریه راهبرد مرکز تحقیقات شورای نگهبان (۱۳۸۹)، گزارش بررسی حدود اختیارات و صلاحیت‌های کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مشروح مذاکرات مجلس اول شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گردآورنده: شکوهی، مرتضی، (۱۳۹۰)
- ملکوتیان، مصطفی، باباپور، محمد مهدی (۱۳۹۰). «بازنگری قانون اساسی، تاریخچه، ضرورت‌ها و فرایند شکل‌گیری تا قانونمندی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۳، ۳۰۵-۳۱۹
- موسی زاده، ابراهیم (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی کمیسیون اصل ۹۰ و نهاد آموذمان، فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی
- موسی زاده، ابراهیم (۱۴۰۴)، «وضعیت استثنایی و الزامات آن (با نگاهی به نظام حقوقی برخی کشورهای اسلامی)»، مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، دوره ۳، شماره ۳، ص ۱۰۴
- هاشمی، سید محمد (۱۳۷۷)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر، جلد دوم، چاپ سوم.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۹)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، بنیاد حقوقی میزان.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۱)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی، تهران: نشر میزان، جلد دوم، چاپ ششم
- هداوند، مهدی (۱۳۸۶)، مهار قدرت و تحول آن در حقوق اداری، نشریه حقوق اساسی، ش ۸
- یزدی، محمد، (۱۳۷۵)، قانون اساسی برای همه، تهران: امیرکبیر.

عربی:

- العوضی، هشام، (۲۰۱۳)، الإسلاميون في السلطة حالة مصر، مجلة المستقبل العربي، العدد ۴۱۳، ص ۲۷-۲۸
- فرید، طارق (۲۰۱۲)، تصحيح منهجية ثورة لم تنجز بعد الإيرادات وادارة تغير جذري، مطابع الأهرام التجارية، القاهرة، ص ۱۷۱-۱۷۲

www.sis.gov.eg-ahram.org ۲۰۱۴/۸/۵ الدستوريه جمهوريه مصر العربيه

لاتین:

Jorg Fedtke, "Comparative Analysis Between The Constitutional Processes In Egypt and Tunisia –Lessons Learnt- Overview of The Constitutional Situation in Libya", Directorate-General for External Policies of The Union Policy Department, Belgium, 2014

Nicolas Heliotis, "A Textual Analysis of Presidential Power under the 2014 Egyptian Constitution", American Bar Association, 2014.

چکیده تفصیلی

یکی از مهم‌ترین مسائل در علم حقوق اساسی، تنظیم روابط میان قوا و ایجاد توازن در نظام سیاسی است، زیرا تمرکز قدرت در یک نهاد می‌تواند به استبداد و فساد منجر شود. اندیشمندان سیاسی همواره در پی یافتن سازوکارهایی بوده‌اند که ضمن تضمین استقلال قوا، امکان کنترل و نظارت متقابل را نیز فراهم کنند. در این چارچوب، نظارت پارلمان بر دولت به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای حفظ توازن قوا شناخته می‌شود، زیرا پارلمان نهادی برخاسته از اراده عمومی است و وظیفه دارد بر حسن اجرای قانون، مصرف صحیح منابع عمومی و پایبندی دولت به تعهدات قانونی و سیاسی نظارت کند. مقاله حاضر با عنوان «واکاوی تطبیقی نظارت پارلمان بر دولت در نظام حقوق اساسی ایران و مصر» به بررسی تطبیقی این موضوع پرداخته است. انتخاب این دو کشور از آن جهت اهمیت دارد که هر دو دارای نظام نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی هستند، هر دو تجربه انقلاب و تغییر بنیادین نظام سیاسی داشته‌اند و هر دو به‌عنوان کشورهای اسلامی با تمدن کهن و موقعیت راهبردی در منطقه خاورمیانه مطرح‌اند. با این حال، ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و حقوقی خاص هر کشور منجر به شکل‌گیری الگوهای متفاوتی از نظارت پارلمانی شده است. روش تحقیق مقاله توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها عمدتاً از منابع کتابخانه‌ای و اسناد حقوق اساسی استخراج شده‌اند. پرسش اصلی پژوهش این است که نظارت پارلمان بر دولت در ایران و مصر چه ابزارها و کیفیتی دارد و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها چیست. در ایران، نظام نظارتی بر اساس تجربه انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ هـ ش) و انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) شکل گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن تأکید بر تفکیک نسبی قوا، ولایت مطلقه فقیه را در رأس ساختار قدرت قرار داده و بازنگری سال ۱۳۶۸ بر اختیارات رهبری و انسجام قوه مجریه افزوده است. ابزارهای نظارتی پارلمان بر دولت در اصول ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۷۶، ۸۸، ۸۹ و ۹۰ قانون اساسی تعیین شده‌اند. دیوان محاسبات به‌عنوان نهاد مستقل زیر نظر مستقیم مجلس، نقش مهمی در نظارت مالی دارد و کمیسیون اصل ۹۰ امکان ارائه شکایات مردمی علیه عملکرد سه قوه را فراهم می‌آورد. همچنین، رئیس مجلس دارای اختیار منحصر به فرد بازبینی مصوبات دولت برای تطابق با قانون و شرع است.

در مصر، تجربه قانون اساسی از سال ۱۸۸۲ آغاز شد و طی قرن بیستم بارها بازنگری شده است. پس از انقلاب ۲۰۱۱ و سقوط حسنی مبارک، قوانین اساسی ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ نظام نیمه‌ریاستی را تدوین کردند؛ رئیس‌جمهور اختیارات گسترده دارد اما نخست‌وزیر و کابینه در برابر مجلس نمایندگان پاسخگو هستند. مجلس نمایندگان، به‌عنوان تنها رکن مقننه، ابزارهای نظارتی متنوعی از جمله تصویب بودجه، سؤال، تحقیق، استیضاح و سلب اعتماد را در اختیار دارد. سازمان حسابرسی مرکزی مسئولیت نظارت مالی را بر عهده دارد و شهروندان می‌توانند شکایات و پیشنهادهای خود را به مجلس ارائه دهند. ابزارهای نظارت پارلمانی در هر دو کشور را می‌توان در چهار دسته اصلی جای داد: نظارت مالی، نظارت سیاسی، نظارت غیرقضایی و سازوکارهای همکاری میان دولت و پارلمان. نظارت مالی شامل تصویب بودجه سالانه و بررسی عملکرد نهادهای حسابرسی است. در ایران دیوان محاسبات از استقلال بیشتری برخوردار است، در حالی که مصر بیشتر بر فرآیندهای اصلاح بودجه و بررسی مجلس تکیه دارد. نظارت سیاسی شامل رأی اعتماد، سؤال و استیضاح وزرا و رئیس‌جمهور است که در مصر دامنه آن گسترده‌تر و گاه همراه با همه‌پرسی است. نظارت غیرقضایی شامل رسیدگی به شکایات مردمی و تحقیق و تفحص است که در ایران به شکل سازمان‌یافته‌تری تحت کمیسیون اصل ۹۰ و در مصر طبق ماده ۱۳۸ قانون اساسی انجام می‌شود. در ایران رئیس مجلس نقش ویژه‌ای در

بازبینی مصوبات دولت دارد که معادل آن در مصر وجود ندارد. همکاری دولت و پارلمان نیز بخشی از سازوکارهای نظارت به شمار می‌رود. در حوزه وضعیت اضطراری، ایران سقف زمانی محدود (۳۰ روز) تعیین کرده، در حالی که مصر ضوابط دقیق‌تری برای ادامه حالت اضطراری و عدم انحلال مجلس پیش‌بینی کرده است. تصویب معاهدات بین‌المللی نیز در هر دو کشور تحت نظارت پارلمان انجام می‌شود، اما در مصر برخی معاهدات فنی یا غیرحاکمیتی نیازمند تصویب نیستند. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو کشور با استفاده از ابزارهای مشابهی مانند تصویب بودجه، سؤال، استیضاح و کمیته‌های تحقیق، توازنی میان قوا برقرار کرده‌اند، اما تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. ایران با دیوان محاسبات و کمیسیون اصل ۹۰، نظارت مالی و شکایات مردمی را تقویت کرده و مصر با فرآیندهای مفصل‌تر استیضاح و محاکمه رئیس‌جمهور و مقررات وضعیت اضطراری، شفافیت و ضمانت‌های اجرایی بیشتری فراهم کرده است. در نتیجه، ترکیب نقاط قوت دو کشور می‌تواند الگویی مناسب برای ارتقای نظارت پارلمانی و افزایش کارآمدی دولت ارائه دهد: از یک سو استقلال و قدرت نظارتی دیوان محاسبات و کمیسیون‌های ایران و از سوی دیگر شفافیت و ضمانت‌های قانونی مصر در حوزه سیاسی و اضطراری. این تلفیق می‌تواند در اصلاح ساختار حقوق اساسی و بهبود عملکرد نظارتی پارلمان بر دولت در ایران مؤثر باشد.

Extended Abstract

Parliamentary oversight of the executive constitutes a central mechanism for maintaining balance within semi-presidential systems, ensuring that the concentration of power in a single institution does not lead to tyranny or corruption. Such oversight allows the legislative branch, as the representative of the public will, to supervise the implementation of laws, the allocation and expenditure of public funds, and the compliance of the executive with its legal and political obligations. Iran and Egypt, both operating under semi-presidential systems and sharing historical, cultural, and political commonalities, provide an instructive context for comparative analysis. Despite these similarities, each country has developed distinct models of oversight shaped by its unique constitutional framework, historical trajectory, and political culture. Iran's constitutional tradition, originating in the Constitutional Revolution of 1906, was initially designed to limit the absolute power of the monarchy. The 1979 Constitution of the Islamic Republic of Iran established a semi-presidential system with a relative separation of powers, placing the doctrine of Velayat-e Motlaqeh-ye Faqih at the apex. The 1989 amendments reinforced executive coherence and expanded the authority of the Supreme Leader. Within this framework, Articles 57, 76, 88, 89, and 90 delineate parliamentary powers of oversight over the government, encompassing financial supervision, ministerial accountability, impeachment procedures, and avenues for citizen complaints. Iran's Court of Audit, reporting directly to parliament under Articles 54–55, provides independent and comprehensive oversight over public expenditures, while the Article 90 Commission enables citizens to file complaints against all three branches of

government. Additionally, the Speaker of Parliament holds a unique authority to review government regulations for conformity with law and Sharia, further enhancing legislative supervision. Egypt's constitutional evolution, beginning in 1882, experienced multiple reforms throughout the twentieth century, culminating in the post-2011 semi-presidential system established by the 2012 and 2014 Constitutions. In this system, the president retains substantial powers, yet the prime minister and the cabinet remain accountable to the unicameral House of Representatives. Parliament exercises oversight through approval of the annual budget, questioning ministers, initiating investigations, and applying mechanisms of impeachment and votes of no-confidence, with procedures sometimes requiring a referendum. The Central Auditing Organization monitors financial compliance, albeit with less institutional independence compared to Iran's Court of Audit. Egyptian citizens also enjoy the right to submit complaints to parliament, and investigative committees are authorized to examine executive actions, paralleling but not identical to Iran's structures. Financial oversight in both systems centers on the legislative approval of budgets. Iran's Article 52 mandates submission of the budget to parliament, while Egypt's Article 124 requires submission at least ninety days prior to the fiscal year, with parliamentary authority to propose amendments. Political oversight, including questioning and impeachment, is codified in Iran under Articles 88–89 and in Egypt under Articles 129–132, 147, 159, and 161. Non-judicial oversight, particularly through citizen complaints and parliamentary investigative committees, enhances transparency and accountability in both countries, although Iran's Article 90 Commission provides a uniquely formalized mechanism. Oversight of government regulations in Iran, under Articles 85 and 138, enables the Speaker of Parliament to ensure conformity with law and Sharia, a function without a direct counterpart in Egypt, where similar control occurs mainly through judicial or political channels. Cooperative mechanisms also supplement oversight: Iran imposes strict time limits on emergency powers (Article 79) and requires parliamentary approval for international treaties (Articles 77 and 125), whereas Egypt provides broader presidential authority during emergencies (Article 154) and exempts certain technical treaties from parliamentary approval (Article 151). Despite these shared features, distinct differences emerge. Iran exhibits stronger institutional mechanisms for budgetary oversight and citizen complaints, whereas Egypt provides more detailed procedures for impeachment, presidential accountability, and emergency governance. Iran grants the Speaker exclusive regulatory review powers, while Egypt relies more on judicial oversight. In emergency situations, Iran emphasizes strict temporal limitations, whereas Egypt prioritizes procedural safeguards and parliamentary checks. In conclusion, while both Iran and Egypt employ semi-presidential systems with comparable oversight

tools, each country's approach reflects its historical, cultural, and constitutional specificities. Iran's system demonstrates institutional independence and citizen-focused supervisory bodies, whereas Egypt excels in procedural clarity and comprehensive mechanisms for executive accountability. Integrating the strengths of both systems, such as Iran's robust institutional oversight and Egypt's procedural rigor, could enhance parliamentary oversight and improve governmental accountability, offering a model for refining the balance of power in semi-presidential contexts.

